

زنان

سرویس اجتماعی ۸۸۴۸۴۴۰



تضییع حقوق زنان ایرانی برای امنیت و سود غرب!

در لایحه تابعیت فرزندان مادر ایرانی باز هم پای توافقات بین‌المللی و فراکسیون زنان در میان است

«برنامه اقدام جامع مشترک در زمینه بی‌تابعیتی» سندی بین‌المللی است که دولت‌ها را موظف می‌کند تا در ظرف زمانی ۱۰ ساله بخش قابل توجهی از مسائل و مشکلات مربوط به تعیین تکلیف افراد بی‌تابعیت را جبران کنند؛ ظاهراً ماجرا نه فقط مشکلی ندارد که بسیاری انسان‌دوستانه به نظر می‌رسد و وقتی با رنگ و لعاب حمایت از زنان ایرانی که با مردان غیر ایرانی از دواج می‌کنند همراه می‌شود می‌تواند حساسیت و پیگیری فعالان حوزه زنان را در پی داشته باشد، اما کافی است تا کمی دقیق‌تر به اصلاح قانون تابعیت

گزارش زهرآچیدی

بار جمعیت مهاجران و پناجویانی که از کشورهای

خاورمیانه، آسیایی آفریقایی به سمت اروپا سرازیر شده‌اند برای این کشورها مشکل‌ساز شده‌است.بگذریم از اینکه این حجم از مهاجرت‌ها و پناجویی‌ها به دلیل جنگ‌افروزی‌های همین کشورهای در منطقه خاورمیانه و آفریقا رخ می‌دهد اما این بار کشورهای اروپایی نمی‌خواهند زیر بار تبعات فجاج انسانی بروند که خودشان آن را شکل داده‌اند.به همین خاطر به دنبال آن هستند تا جمعیت آوارگان پیش از آنکه به اروپا برسند در کشورهای اطراف منطقه مستقر شوند. یکی از این کشورها ایران است. به همین خاطر در راستای ماده ۹ کنواسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان اگر در قوانین

کشورهای ایران است. به همین خاطر در راستای ماده ۹ کنواسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان اگر در قوانین کشورها تابعیتی بین مردان و زنان بر نداشته مربوط به تبعیض تابعیتی بین مردان و زنان بر نداشته شود بخش مهمی از جمعیتی که در این کشورها ساکن هستند می‌توانند در کشورهای اطراف مستقر شوند.این مسئله از بار مهاجرت‌ها به کشورهای غربی می‌کشد. به بیان دیگر در این میان کسی نگران زنان ایرانی نیست بلکه به دنبال تثبیت شرایط و کاستن از تبعات حضور میلیون‌ها مهاجر پناهنجو در کشورهای غربی است.

پنهان شدن پشت عنوان «کودکان بی‌تابعیت»
«کودکان بی‌تابعیت»اصلی‌ترین چهره‌ای است که برای اصلاح قانون تابعیت در کشور به کار گرفته شد، اما ای

نقد محسن دلاور

ایرانی و مردان خارجی هم محل تردید است. این آمار بر مبنای آمارگیری پیامکی وزارت راه اعلام شده و از نگاه کارشناسان مبنای علمی و طبقه‌بندی اطلاعات آن چندان قابل اعتماد نیست.

از سوی دیگر مشکلات ایجاد شده برای فرزندان حاصل از مادر ناشی از نبود قانون نیست بلکه ناشی از ره‌اشدن راه‌رگز نمی‌توان بی‌تابعیت و بی‌هویت قلمداد کرد، بلکه بر اساس قانون جمهوری اسلامی افغانستان و هم قانون مدنی افغانستان، کودکان مذکور به تابعیت پدر هستند و همچنین تابعیت مرد افغان بر تابعیت زن خارجی تحمیل می‌گردد و لذا فرزندان حاصل از مردان افغان یا مادر ایرانی تازمانی که طبق قوانین و مقررات، تابعیت مادر ایرانی خود را کسب نکرده‌اند، افغان هستند.

قانون تابعیت جمهوری افغانستان به تجویز ماده ۹۵ قانون اساسی آن کشور در پنج فصل و ۴۲ ماده در جلسه ۱۳۷/۸/۲۴ به تصویب هیئت مختلط مجلسین افغانستان رسید.
حفل متولد شده از والدینی که یکی از آنها افغانی باشد، به ترتیب مقرر در مقررات مندرج در فصل دوم قانون تابعیت افغانستان، تبعه جمهوری افغانستان به شمار می‌رود و طبق بند ۲ ماده ۲ آن قانون، شخص زارنده تابعیت دولت جمهوری افغانستان به عنوان «افغان» برشمرده می‌شود.
از سوی دیگر آمار ۵۰ هزار نفری کودکان بی‌هویت حاصل از دواج زنان

فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی نگاه کنیم تا در بایسیم این اصلاحیه علاوه بر چالش‌های امنیتی و حقوقی برای کشور می‌تواند موجب شکل‌گیری بزرگ‌ترین ظلم‌ها علیه زنان و دختران ایرانی شود!
پشت پرده اصلاح قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی اما یک بار دیگر به توافقات پنهانی با مجامع بین‌المللی باز می‌گردد؛ توافقاتی که برای انتقال بار مهاجران سوری، عراقی و افغانی از کشورهای اروپایی به مقاصد نزدیک تری همچون ایران صورت گرفته و چالش‌های این حجم از مهاجران را به نام دفاع از حقوق زنان بر کشور ایران آوار خواهد کرد.

ایرانی و مردان خارجی هم محل تردید است. این آمار بر مبنای آمارگیری پیامکی وزارت راه اعلام شده و از نگاه کارشناسان مبنای علمی و طبقه‌بندی اطلاعات آن چندان قابل اعتماد نیست.
از سوی دیگر مشکلات ایجاد شده برای فرزندان حاصل از مادر ناشی از نبود قانون نیست بلکه ناشی از ره‌اشدن راه‌رگز نمی‌توان بی‌تابعیت و بی‌هویت قلمداد کرد، بلکه بر اساس قانون جمهوری اسلامی افغانستان و هم قانون مدنی افغانستان، کودکان مذکور به تابعیت پدر هستند و همچنین تابعیت مرد افغان بر تابعیت زن خارجی تحمیل می‌گردد و لذا فرزندان حاصل از مردان افغان یا مادر ایرانی تازمانی که طبق قوانین و مقررات، تابعیت مادر ایرانی خود را کسب نکرده‌اند، افغان هستند.
قانون تابعیت جمهوری افغانستان به تجویز ماده ۹۵ قانون اساسی آن کشور در پنج فصل و ۴۲ ماده در جلسه ۱۳۷/۸/۲۴ به تصویب هیئت مختلط مجلسین افغانستان رسید.
حفل متولد شده از والدینی که یکی از آنها افغانی باشد، به ترتیب مقرر در مقررات مندرج در فصل دوم قانون تابعیت افغانستان، تبعه جمهوری افغانستان به شمار می‌رود و طبق بند ۲ ماده ۲ آن قانون، شخص زارنده تابعیت دولت جمهوری افغانستان به عنوان «افغان» برشمرده می‌شود.
از سوی دیگر آمار ۵۰ هزار نفری کودکان بی‌هویت حاصل از دواج زنان

تبعات حقوقی وقانونی لایحه اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی



کشورها نیز به وی تحمیل می‌شود. از این رو، موضوع طلاق را نیز نمی‌توان مشمول قانون دولت متبوع زن دانست.
بر همین اساس ماده ۹۶۳قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

۴- در حقوق ایران، علاوه بر اصل وحدت تابعیت زن و شوهر، وحدت اقامتگاه آنان نیز قیق مواد ۱۰۰۵ و ۱۱۱۴ قانون مدنی پذیرفته شده‌است. طبق مفاد ماده ۱۰۰۵ قانون، زن باید در منزلی که شوهر تعیین

روزنامه جوان | شماره ۵۲۰۵

بر خلاف تصور غلط و رایج در جامعه، فرزندان حاصل از مادران ایرانی و پدران خارجی را هرگز نمی‌توان بی‌تابعیت و بی‌هویت قلمداد کرد، بلکه بر اساس قانون جمهوری اسلامی افغانستان و هم قانون مدنی افغانستان، کودکان مذکور به تابعیت پدر هستند و همچنین تابعیت مرد افغان بر تابعیت زن خارجی تحمیل می‌گردد و لذا فرزندان حاصل از مردان افغان با مادران ایرانی تازمانی که طبق قوانین و مقررات، تابعیت مادر ایرانی خود را کسب نکرده‌اند، افغان هستند

مناطق مرزی موجب شده تا تعداد زیادی کودک بدون هویت با پدر و مادر ایرانی وجود داشته باشند. به بیان دیگر بارزایی شدن به شرط «دواج شرعی» و برداشتن «شرط قانون» عملاً حق زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی در فرصت‌طلبی‌ها و سوءاستفاده‌های خارجی را سلب کرده‌ام. این مسئله وقتی بیش از پیش خودنمایی می‌کند که بدنامی بر اساس مطالعات انجام‌شده بالای ۸۵ درصد ازدواج‌ها در خانواده‌های فرودست اتفاق افتاده که قطعاً اگر حمایت اجتماعی از سوی دستگاه‌های متولی وجود داشت این اقدام صورت نمی‌پذیرفت.

تدوین کنندگان و نیز سازقانونگذاران ما در این بخش به‌شدت دچار ضعف شناختی از مسئله و گروه هدف و نیز سادهانگاری نسبت به موضوع شده‌اند، چرا که حتی اگر نگاه به حمایت از زنان هم باشد، لایحه به‌شدت ضدنر است و زن ایرانی در عمل به یک شیء و ابزار برای دسترسی به خدمات اجتماعی در ایران تبدیل شده‌است و این لایحه می‌تواند زمینه‌ساز تسهیل خرید و فروش دختران ایرانی در مناطق محروم شود؛ دخترانی که به جای ازدواج در عمل فروخته می‌شوند.

■ اخلاخل در امنیت حقوقی، فرهنگی و اجتماعی

زنان اخلاخل در امنیت حقوقی، فرهنگی و اجتماعی زنان ازجمله مولودی‌است که در این مصوبه به آن توجه نشده‌است. در این لایحه و قانون زنان ایرانی بیشترین آسیب را می‌بینند، چرا که به‌واسطه آن تمام چارچوب‌ها و حفاظت‌های قانونی در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۱- ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع قانونی ندارد، م‌سکول به اجازه مخصوص طرف دولت است. -از سرس زن ایرانی برمی‌داریم. زن ایرانی در چارچوب این ماده به نوعی دولت را ولی خود قرار می‌داد تا صلاحیت‌های فردی، اقتصادی، کفردی و سیاسی مردی را که برای ازدواج با او اقدام می‌کند است براسی کند و این مسئله به عنایت به ابزاری که در اختیار دولت‌هاست بسیار سهل‌الوصول تر است اما در حال حاضر این چنشر حمایت قانونی و اجتماعی از سر زن ایرانی بر داشته شده‌است. این مسئله موجب می‌شود هر کسی از راه بردس فارغ از اینکه آیا ورود قانونی داشته یا نه، چه سوابقی دارد، از ازدواج چندم این مرد است و فارغ از اینکه زن ایرانی با یک برگه سیغه‌نامه بی‌پشتوانه به ازدواج یک مرد خارجی درآمده، ره‌اشود و تا سال‌های سال در چنشر بی‌پچیدی‌های قانونی قرار گیرد و حقوق اولیه وی نادیده شود. تمام این ابهام‌ها و ایرادات نشان می‌دهد این مصوبه بیشتر یک مأموریت بوده تا یک نیاز و متأسفانه به نام زنان صورت گرفته است. در صورتی که صرف تا صد آن به ضرر زنان است. چالش‌های حقوقی برای زنان ایرانی به‌خصوص در برخورد با قوانین کشورهاییکه تابعیت مردانشان بر زنان خارجی در ازدواج تحمیل می‌شود(از بین رفتن حق حضانت طفل، حق تسکوت، حق تملک بر اموال و…) موضوعی است که قانون مدنی ما هم بر آن صحه گذاشته‌است.

گزارش

حسن رضایی

راهکارهایی برای ترویج فرهنگ حجاب

این روایتی صادق و معروف است که آنچه شوروری را نابود کرد، بیش از آنکه جنگ اقتصادی-سیاسی امریکا با آن باشد، جنگ فرهنگی بلوک غرب با آن بود. فرانسیس ساندرس، پژوهشگر روزنامه‌نگار انگلیسی که در متن کتاب «جنگ سرد فرهنگی» به بررسی اقدامات نرم سازمان سیا علیه شوروی پرداخته‌است، معتقد است سسیا در آن مقطع به عنوان «وزارت فرهنگ بلوک غرب» عمل می‌کرده‌است. ساندرس می‌نویسد: مهم‌ترین اقدام سیا در این دوره، تأسیس کنگره «زادی فرهنگی» بود که در ژوئن ۱۹۵۰ با حضور بیش از ۱۰۰ نویسنده از سراسر جهان در برلین گشایش یافت. در این اجلاس، روشنفکران برجسته‌ای چون آرتور کوستلر، سیدنی هوک، ملوین لاسکی، ایناتسیو سیلونه و جرج اورول شرکت کردند. کوستلر در نطق خود اعلام می‌کند: «دوستان، آزادی تهاجم خود را آغاز کرده‌است.»

بنا بر روایت ساندرس، سیدنی هوک در ۱۹۴۹ به مقامات امریکایی گفته بود: «به من ۱۰۰ میلیون دلار و هزار انسان مصمم بدهید، تضمین می‌کنم که چنان موجی از ناآرامی‌های دموکراتیک در میان توده‌ها، بلکه حتی در میان سربازان امپراتوری استالین، ایجاد کنم که برای مدتی طولانی، تمام دغدغه‌وی به مسائل داخلی معطوف شود.» مسئله در مورد تقابل کنونی جبهه وحشی و خوتریز غرب با جمهوری اسلامی نیز تفاوت چندانی با این واقعیت تاریخی ندارد. در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی ارائه‌شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در مقطع زمانی جنگ تحمیلی بدین سو، واقعیت تلخی است که در این زمینه بدل به پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در مسائل فرهنگی نیز شده‌است. کسانی فکر می‌کردند غرب مانند فروشگاه متنوعی است که می‌توان بخشی از آن را انتخاب کرد و به مابقی آن «نه» گفت. واقعیت اما این بود که نمی‌توان هم‌زمان با ترویج اقتصاد سرمایه‌داری، همچنان مدعی سیر فرهنگ جامعه بر مبنای ارزش‌های اسلامی- ایرانی شد.

این مقدمه هشتادار آمیز اما بدان معنی نیست که جمهوری اسلامی و کلیت جامعه ایرانی در نبرد فرهنگی حاضر قافیه را باخته و رو به شکست است. واقعیت اتفاقاً خلاف اینهاست و ما همه‌های متعدد، سنگین و بسیار موفق فرهنگی علیه جبهه مغربل داشته‌ایم. مسئله‌ای که تفاوت جوهری فرهنگ غنی مردم ایران را در قیاس با کشورهای متعدد اتحاد جماهیر شوروی نشان می‌دهد. نبرد فرهنگی برحجم غرب با مبنای مترقی فرهنگ اسلامی- ایرانی که چنانکه گفته شد، بعضاً متأثر از اشتباهات راهبردی خود ماست اما واقعیتی انکار‌ناپذیر در صحن جامعه امروز ایرانی است. هدف قرار دادن مسئله حجاب اسلامی به عنوان پرچم وجودانسان ایرانی، یکی از شناخته‌شده‌ترین جبهه‌های این تقابل فرهنگی است. تاریخ سرزمین کهن ایران نشان می‌دهد ایرانیان باستان هم تقد وافتاری به این امر داشته‌اند. واقعیتی مانند تصاویر زنان باحجاب در سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید، از بدیهی و معروف‌ترین مثال‌ها در این زمینه است.

دفاع از این هویت ریشه‌دار ایرانی- اسلامی اما در شرایط حاضر به سبب همه سنگین دشمن ظرافت‌های خاص خود را دارد. ناظر به مقدمات هم گفته شده، مادر امامه سعی می‌کنیم راهکارهایی در این زمینه ارائه کنیم. اولین و مهم‌ترین مسئله در این زمینه شاید تفوق و اولویت داشتن اقدامات مردمی بر فعالیت‌های دولتی و حاکمیتی و تأنیا مهم‌تر بودن اقدامات ایجابی از کنش‌های سلبی در این حوزه باشد. تجربه ۴۰ساله انقلاب اسلامی نشان داده‌است، زادی اقدامات فرهنگی مردم‌محور همواره چندین برابر برنامه‌های دولتی است. در مسئله مهمی مانند حجاب نیز طبعاً این قاعده مصداق دارد لذا فعال شدن تشکل‌های فرهنگی مردمی و خودجوش در این زمینه- با لحاظ ظرافت‌های کار فرهنگی- می‌تواند مهم‌ترین سلاح جامعه ایرانی در مقابل همه‌جانبه دشمن در این کارزار فرهنگی باشد.

اسدالله سلیمانی تاجر پارچه در بازار «حضرتی» مولوی، کوچه «ارمنه» و تولیدکننده چادر، یکی از مدل‌های موفق کار مردمی در زمینه ترویج حجاب است که در اقداماتش به معضل مهم و مغفول مانده اقتصاد حجاب پرداخته‌است. سلیمانی اولین تولیدکننده‌انبوه چادر مشکی در مدل «چادر ملی» به‌ساز و تابه‌حال بیش از ۱۸۰۰ مدل چادر مشکی را در بازار عرضه کرده‌است. او آزرمه ۹۷ از راهاندازی طرحی با عنوان «طرح نذر حجاب فردوسی» خبر می‌دهد که بااجرای شدن آن بیش از ۱۲۰ هزار چادر در سراسر کشور با ۵۰ درصد قیمت عرضه شده‌است. توزیع چادر از در مناطق زلزله‌زده کشور بخشی دیگر از اقدامات این طرح ملی و مردمی است که همچنان با پایمردی تنها یک نفر و در مجاهدتی خاموش و بی‌حاشیه ادامه دارد. شکل‌گیری «جبهه فرهنگی مجبها» به وسیله جمعی از طلاب و دانشجویان کشور یکی دیگر از نمونه‌های موفق جهاد فرهنگی برای پاسداری از فرهنگ مترقی ایرانی- اسلامی حجاب در بطن جامعه است که تمرکز خود را بر نونهالان قرار داده‌است.

وحدید جهان‌نیت نویسنده کتاب و از اعضای نخستین این تشکل مردمی است می‌گوید: هسته اولیه این کار در سال‌های دهه ۷۰ و توسط عده‌ای از بچه دبیرستانی‌ها شکل گرفت.است. او می‌گوید که هیچ مسئول فرهنگی حاضر به حمایت از ما نشد؛ چراکه مسائل مالی پرایشان اولویت داشا. با این وجود این تشکل مردمی همچنان فعال است و با تکثیر بر کمک‌های مردمی تحت عنوان نذر فرهنگی در حوزه حجاب به فعالیت خود ادامه می‌دهد. تشکل مذکور نیز ابتدا با کنش تحت عنوان «همه‌په‌ها و لباس‌های سخنگو» به چرایی ارجح بودن حجاب چادر برای بانوی ایرانی می‌پردازد که در آن با نثری روان به شیوه‌ای کاملاً منطقی و عقلانی برای دخترچه‌ها توضیح می‌دهد که چرا باید حجاب داشته باشند و چرا چادر در زمینه فعالیت صفورا و سمیه نباتی نژاد دو خواهر کارآفرین اصفهانی در زمینه حجاب اقدام خودجوش و مردمی دیگری در این حوزه است که می‌توان از آن تحت عنوان تجربه‌ای موفق نام برد.

طراحی لباس‌های متنوع برای بانوسان مجبیه، کلید موفقیت کارگاه تولیدی آنها موسوم به «توبن حجاب» است. صفورا نباتی نژاد که خود تحصیلکرده رشته طراحی لباس است، می‌گوید: «تنها مجموعه‌ای در استان و حتی کشور هستیم که تمامی فعالان آن از بانوان هستند. از طراحی تا تولید و عرضه همه اقدامات توسط بانوان انجام می‌شود و این یکی از نقاط موفقیت ماست.» اقدام مهم دیگری که جای خالی آن در زمینه ترویج فرهنگ حجاب حس می‌شود، نیزداشتن گروه‌های فرهنگی به واقعیت‌های جامع‌گربی در این عرصه و تشریح آن برای مخاطب داخلی است. به عنوان مثال، اخیراً رسانه‌های کشوری چون انگلیس هم از لزوم ممنوعیت دست دادن در محل کار به منظور جلوگیری از آزار جنسی زنان حرف می‌زنند، بحث لزوم جداسازی اتوبوس‌های مردان و زنان نیز به همین منظور در بسیاری از کشورهای منطقه‌ای عمومی بدل شده‌است.

نمونه این قبیل واقعیت‌ها آنقدر پر شمار است که تمرکز یک تشکل مردمی خاص بر رصد و اطلاع‌رسانی تخصصی در آن را کاملاً توجیه‌پذیر می‌کند و می‌تواند دست ما را برای مقابله با تهاجم فرهنگ منحط غربی در این حوزه بازتر کند. بازمانی رسانه‌ای جنبش همپا هم و تاریخی Met too در اعتراض با آزار جنسی گسترده شخصیت‌های برجسته زن در کشورهای غربی یکی دیگر از همین واقعیات تکان‌دهنده است که در رسانه‌های رسمی کمتر به آن پرداخته می‌شود و تنها در حدارسال چند خبر محدود مانده‌است. بررسی واقعیات تکان‌دهنده دیگری مانند ارائه آمار حرام‌زدگی و آزار جنسی در کشورهای غربی، کارواژه دیگری است که می‌تواند محل بحث در این حوزه مغفول مانده باشد. دکتر صاحبکار رئیس شرکت‌های دانش‌بنیان کشور در معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری، اخیراً از توصیه رهبری به راه‌اندازی مجموعه روایت فتح در حوزه علم و فناوری گفته‌است.

واقعیت این است که ما به راه‌اندازی چنین جنبش و فعالیتی در زمینه حجاب هم نیاز مبرم داریم. جنبشی که تمرکز خود را بر واقعیت‌های فرهنگی جامع‌گربی قرار داده تا جابج فرهنگ ناشی از مبارزه با اصل فطری پوشیدگی انسان توسط فرهنگ غرب را به نسل جوان کشور ارائه کند. این واقعاً باعث است که ما در بحبوحه گرایش شدید جامع‌گربی به دین مبین اسلام، در جامعه خود نتوانیم فلسفه موضوع حجاب را برای نسل جدید جا بیندازیم و روایت درستی از آن ارائه دهیم. شاید سال گذشته بود که ریاست دانشگاه جامعه‌المصطفی(ص) گفته بود تنها پسران و نراتباط این نهاد، بیش از ۵۰ میلیون نفر در دنیا به تشیع گرویده‌اند. به راستی، مسئول روایت این فتح‌ها کیست تا جامعه را در برابر جنگ فرهنگی مضحک دشمنان در حوزه حجاب، بیمه و واکسینه کند؟ کسی جز تشکل‌های مردمی و جوانان!؟